عاملان قتل خانوادگی در ایستگاه محاکمه

مرد میانسالی که با همدستی همسر و خواهرزنش باجناقش را با شلیک گلوله به قتل رسانده‌بودند، به زودی از جنبه عمومی جرم در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه خواهند شد.

به گزارش جوان، رسیدگی به این پرونده از ۲۱اردیبهشت‌سال ۹۱، همزمان با قتل مرد تاجری در خیابان عباسپور تهران از سوی مأموران پلیس آغاز شد. بعد از حضور مأموران در محل، اولین بررسی‌ها نشان داد، هومان ۶۰ساله که تاجر آهن است با شلیک گلوله به سرش کشته‌شده است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی همسر مقتول که در محل حاضر بود مورد تحقیق قرار گرفت. او در توضیح به مأموران گفت: «امروز صبح همراه دختر و پسرم به خانه خواهر شوهرم رفته بودیم. وقتی به خانه برگشتیم هر چه زنگ زدیم کسی در را باز نکرد. به همین خاطر با کلید یدک در را باز کردم که با جسد خونین شوهرم روبه‌رو شدم.»

با توضیحات همسر مقتول تحقیقات ادامه داشت تا اینکه مأموران دریافتند همسر مقتول به نام فریبا اختلافات زیادی با شوهرش داشته‌است به همین خاطر فریبا بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت اما ادعا کرد از قتل شوهرش اطلاعی ندارد و نمی‌داند چه کسی او را کشته است.

■ اولین سرنخ برای شناسایی عامل قتل

تلاش برای شناسایی عامل یا عاملان قتل ادامه داشت تا اینکه چند سال بعد از حادثه مأموران دریافتند همسر مقتول با مرد جوانی به نام پرویز رابطه پنهانی دارد. بنابراین پرویز به عنوان مظنون به قتل تحت بازجویی قرار گرفت. این مرد در توضیح به مأموران گفت: «با شوهر خواهر فریبا به نام پیام دوست بودم و با هم رفت و آمد خانوادگی داشتیم تا اینکه با فریبا آشنا شدم. روزی پیام مرا به خانه‌اش دعوت کرد و در حالی که به خاطر خوردن مشروب حالت عادی نداشت ادعا کرد چند سال قبل با همدستی فریبا باجناقش را کشته است. ابتدا به حرفش اهمیتی ندادم چون فکر کردم حال طبیعی ندارد و حرف‌هایش از روی عقل نیست اما حالا که پلیس مرا به اتهام قتل عمد بازداشت کرده است، احتمال می‌دهم ادعاهای پیام درست بوده است.»

با اظهارات مرد جوان اولین سرنخ در اختیار مأموران قرار گرفت و همسر مقتول بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت.

■ اقرار به قتل شوهر ۶ سال بعد از حادثه

زن میانسال وقتی با دلایل و مدارک روبه‌رو شد سرانجام پس از گذشت شش سال از حادثه به قتل شوهرش با همدستی شوهرخواهرش اعتراف کرد. این زن در شرح ماجرا گفت: «شوهرم قبلاً ازدواج کرده بود اما بچه‌دار نمی‌شد به همین دلیل همسر اولش را طلاق داد و در حالیکه ۲۰سال از من بزرگتر بود به خواستگاری‌ام آمد. هومان تاجر آهن بود و وضع مالی خوبی داشت اما مرد بداخلاقی بود. او هر بار به خاطر موضوع جزئی به من فحاشی می‌کرد و مرا کتک می‌زد. به خاطر رفتارهای هومان دیگر تحمل زندگی با او را نداشتم. هربار هم اعتراض می‌کردم می‌گفت اگر از این زندگی راضی نیستی طلاق بگیر و برو.»

زن میانسال ادامه داد: «بعد از ازدواج با هومان بود که فهمیدم بچه دار نمی‌شود اما پیگیر درمان شدم و جوانی‌ام را به پای او ریختم تا اینکه صاحب یک دختر و یک پسر شدیم اما او باز هم بداخلاقی می‌کرد و پیشنهاد جدایی می‌داد که روزی با خواهرم تماس گرفتم و با او درباره رفتارهای شوهرم صحبت کردم و گفتم قصد کشتن او را دارم. خواهرم ابتدا سعی کرد مرا منصرف کند اما وقتی اصرارهای مرا دید قرار شد با شوهرش صحبت کند تا کسی را برای کمک به من معرفی کند. این گذشت تا اینکه در سفر شمال با شوهر خواهرم صحبت کردم و همانجا نقشه قتل هومان را کشیدیم.» همسر مقتول در خصوص قتل گفت: «روز حادثه طبق نقشه چند قرص خواب در غذای همسرم ریختم و همراه دختر و پسرم به خانه خواهرشوهرم رفتم. هنگام رفتن هم به سرایدار مرخصی دادم تا همراه خانواده‌اش به تفریح برود و او هم همراه خانواده‌اش به امامزاده نزدیک خانه رفت. بعد از ترک خانه پیام وارد خانه شد و با شلیک یک تیر به سر شوهرم او را به قتل رساند.»

■ دستگیری باجناق و اقرار به قتل

با اقرارهای زن میانسال، شوهر خواهر او بازداشت شد. او با اقرار به جرمش در شرح ماجرا گفت: «مقتول مرد بداخلاقی بود. بارها شکایت او را از همسرش شنیده بودم. او وضع مالی خوبی داشت و به خاطر موقعیتش به زن‌های فامیل حتی به دختران من نظر داشت. به همین خاطر وقتی پیشنهاد خواهرزنم را شنیدم قبول کردم چون فکر می‌کردم ریختن خون او حلال است.» متهم در خصوص قتل گفت: «طبق نقشه یک اسلحه خریدم و روز حادثه با هماهنگی فریبا به خانه مقتول رفتم. هومان در اتاق خواب خوابیده بود. همانجا یک تیر به سرش شلیک کردم و از خانه بیرون رفتم. بعد از حادثه به اصفهان گریختم و اسلحه‌ای که با آن مرتکب قتل شده بودم را داخل رودخانه زاینده رود انداختم.»

■ محاکمه متهمان بعد از رضایت اولیای دم

با اقرارهای دو متهم و بازسازی صحنه جرم، پیام به اتهام قتل عمد، فریبا به اتهام معاونت در قتل و خواهر فریبا نیز به اتهام تحریک به قتل روانه زندان شدند اما همگی با قرار وثیقه آزاد شدند. پرونده در حال کامل شدن بود که اولیای‌دم با مراجعه به دادسرا اعلام رضایت کردند. باجلب رضایت اولیای‌دم، پرونده برای رسیدگی از جنبه عمومی جرم به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا متهمان بعد از نوبت رسیدگی در یکی از شعبات دادگاه محاکمه شوند.

زورگیری مسلحانه به سبک فیلم‌های هالیوودی

بازیگر آماتوری که با همدستی برادر و یکی از دوستانش زورگیری مسلحانه‌ای را در پوشش مأمور پلیس به سبک فیلم‌های هالیوودی طراحی و اجرا کرده بودند به دام افتادند.

به گزارش جوان، شامگاه یک‌شنبه اول دی‌ماه امسال مرد جوانی در تهران سراسیمه به اداره پلیس رفت و از سه مرد مأمور نما به اتهام اخاذی و سرقت اموالش شکایت کرد.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: من طراح دکوراسیون هستم. ساعتی قبل دفترم را بستم و با خودروی پژوی خودم به طرف خانه‌ام به راه افتادم که زیر پل ستارخان زن جوانی به عنوان مسافر برای من دست بلند کرد و من هم تصمیم گرفتم او را به مقصد برسانم. پس از اینکه او را سوار کردم به راه افتادم تا اینکه در نزدیکی خیابان شهرآرا پژوی ۲۰۶ نوک مدادی با سه‌سرنشین در حالی که چراغ گردان داشت راه مرا سد کردند و من هم توقف کردم. سه مرد جوان که لباس شخصی به تن داشتند از خودرو پیاده شدند و خودشان را مأمور پلیس معرفی کردند. یکی از آنها اسلحه کمری و بی‌سیم و دستبند همراه داشت که من فکر کردم مأمور پلیس هستند. آنها ابتدا از من مدارک شناسایی خواستند و بعد سؤال کردند که با این زن جوان چه نسبتی دارم. وقتی گفتم مسافر است قبول نکردند و از من خواستند با آنها به کلانتری بروم. ابتدا مقاومت کردم و از آنها کارت شناسایی و حکم مأموریت خواستم اما یکی از آنها با اسلحه مرا تهدید کرد و گفت اگر به خواسته آنها عمل نکنم برای من پرونده‌سازی و مرا گرفتار می‌کنند. وی ادامه داد: مرد مسلح به من گفت در صورتی که ۲میلیون تومان به آنها بدهم مرا آزاد می‌کنند، اما من آنقدر پول نداشتم و در نهایت از کارت بانکی‌ام ۵۰۰هزار تومان به کارتی که شماره‌اش را به من دادند، منتقل کردم و ۳۰۰هزار تومان هم پول نقد همراه داشتم که به آنها دادم و بعد آزادم کردند.

وی در پایان گفت: من همان لحظه فهمیدم که آنها مأمور پلیس قلابی هستند و به همین دلیل چند شماره پلاک خودروی آنها را که خوانا بود به خاطرم سپردم.

با طرح این شکایت پرونده به دستور قاضی علی وسیله ایرد موسی، بازپرس شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت برای بررسی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت.

نخستین بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد مأمور نماهای مسلح برای اینکه شناسایی نشوند مبلغ واریزی را از کارتی به کارت دیگر منتقل کرده‌اند تا هیچ ردی از خود به‌جای نگذارند. مأموران در تحقیقات بعدی با بررسی فنی چند شماره پلاک خودرویی که شاکی در اختیار آنها قرار داده‌بود، دریافتند خودروی متهمان متعلق به زن میانسالی است که در ادامه با تحقیق از صاحب خودرو مشخص شد وی شب حادثه خودرواش را در اختیار دو پسر جوانش به نام‌های فردین و فرزین قرار داده است.

بنابراین مأموران، فردین و فرزین ۳۸ و ۲۳ساله را به عنوان مظنونان حادثه دستگیر کردند و دو برادر هم در بازجویی‌ها به جرم خود با همدستی یکی از دوستانشان به نام بهزاد اعتراف کردند. با اعتراف متهمان، مأموران پلیس، بهزاد را هم دستگیر کردند. سه متهم چند روز قبل برای بازجویی به دادسرای ویژه سرقت منتقل شدند و پس از اعتراف به زورگیری مسلحانه برای تحقیقات بیشتر به دستور قاضی علی وسیله ایرد موسی در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

گفت‌وگو با متهمان

فردین معتادی؟

نه.

سابقه کیفری یا دستگیری قبلی داری؟

نه. من تحصیلکرده دانشگاه هنر هستم و تا الان حتی به کلانتری هم نرفته‌ام.

چه رشته‌ای تحصیل کردی؟

من از دوران کودکی علاقه زیادی به بازیگری و کارگردانی فیلم‌های سینمایی داشتم و به همین خاطر در این رشته ادامه تحصیل دادم و لیسانس بازیگری و کارگردانی گرفتم.

کارگردانی یا بازیگری هم کرده‌ای؟

نه، البته دوستان دوران دانشگاهم همه هنرپیشه و کارگردان‌های معروفی هستند. مثلاً یکی از همکلاسی‌هایم کارگردان فیلم‌های سینمایی معروف (م‌ش‌وار) بود که در پشت صحنه این دو فیلم من همکاری زیادی با او داشتم.

پس بازیگری نکرده‌ای؟

من عاشق بازیگری هستم و چند باری هم تست داده‌ام اما به قول دوستان من آماتور هستم و نتوانسته‌ام حرفه‌ای بشوم.

شما که تحصیلکرده و بازیگر هستی چرا با همدستی برادرت و دوستت به صورت مأمور نما دست به زورگیری زدید؟

ما زورگیر نیستیم. آن شب می‌خواستم با زنی که سوار خودروی شاکی شده‌بود، تسویه حساب کنم که این اتفاق افتاد.

چرا؟

واقعیتش من مغازه لباس فروشی زنانه دارم. دوماه قبل پس از اینکه مغازه‌ام را بستم با خودروام به طرف خانه‌ام به راه افتادم که این زن برای من دست بلند کرد. همان لحظه شیطان مرا وسوسه کرد که او را سوار خودروام کردم. پس از طی مسافتی زن جوان گفت که برای او بستنی یا آبمیوه بخرم و من هم مقابل آبمیوه فروشی خودروام را نگه داشتم و از خودرو پیاده شدم و برای او آبمیوه خریدم. لحظاتی بعد وقتی با دو لیوان آبمیوه به داخل خودروام برگشتم دیدم آن زن غیبش زده است و پس از بررسی متوجه شدم او دلارها و پول‌های داخل داشبورد خودروام را که ۲۰ میلیون تومان می‌شد سرقت و فرار کرده‌است. پس از این به‌دنبال آن زن بودم تا پولم را از او بگیرم تا اینکه شب حادثه متوجه شدم او زیر پل ستارخان سوار خودروی پژویی شد که راننده‌اش پسر جوانی است. سپس با برادرم و دوستم که در آن نزدیکی مکانیکی دارد تماس گرفتم و سه نفری پژو را تعقیب کردیم که پولم را از زن جوان بگیرم که او فرار کرد و ما مبلغی از راننده گرفتیم.

چرا خودتان را پلیس معرفی کردید؟

من این نقشه را به سبک فیلم‌های سینمایی طراحی کردم و می‌خواستم آنها را بترسانم که زودتر به پولم برسم.

درباره زورگیری توضیح بده؟

وقتی راه آنها را سد کردیم خودمان را مأمور پلیس معرفی کردیم و به پسر جوان گفتیم این زن چه نسبتی با شما دارد که او خیلی ترسید و گفت از بستگانش است. به او گفتیم که این زن بدهکار است و باید ۲۰میلیون تومان به ما بدهد تا آزادش کنیم و در همین لحظه زن جوان از فرصت استفاده و فرار کرد و بعد ما راننده را مجبور کردیم به ما پول بدهد که او ۵۰۰هزار تومان به کارت ما واریز کرد و گفت بیشتر از این ندارد.

اسلحه را از کجا آورده بودی؟

اسلحه پلاستیکی بود که چند روز قبل هنگام اسباب کشی به منزل جدیدمان در داخل خودروام مانده بود و از آنجایی که نقشه مأمور پلیس قلابی را طراحی کرده بودم از آن استفاده کردم.

چرا وقتی زن جوان اموالت را سرقت کرد شکایت نکردی و تصمیم گرفتی به این سبک پولت را بگیری؟

کار من خلاف بود و از ترس آبرویم به کلانتری نرفتم و شکایت نکردم.

فکر نمی‌کنی حرف‌ها و ادعاهای شما الان هم شبیه یک سناریو ساختگی است؟

[سکوت می‌کند.]

سارق موبایل رانندگان تاکسی به دام افتاد

سارق حرفه ای و سابقه داری که موبایل رانندگان مسافرکش را سرقت می‌کرد دردام مأموران گرفتار شد.

به گزارش جوان، اوایل دی ماه امسال بود که راننده مسافرکشی به کلانتری ۱۲۹ جامی رفت و از مرد ناشناسی به اتهام سرقت گوشی موبایلش شکایت کرد.

مرد جوان در توضیح ماجرا گفت: ساعتی قبل مردی حدوداً ۴۰ساله را به عنوان مسافر از میدان راه‌آهن به مقصد خیابان جمهوری به صورت دربستی سوار خودروام کردم. وقتی به مقصد رسیدیم، مرد جوان به من گفت که تلفن ضروری دارد و از من خواست موبایلم را به او بدهم تا با یکی از بستگانش صحبت کند و من به او اعتماد کردم و موبایلم را در اختیارش گذاشتم که ناگهان فرار کرد.

پس از طرح این شکایت مأموران تحقیقات خود را آغاز کردند که در همان ابتدا با ۵ شکایت مشابه دیگر روبه‌رو شدند که همگی حکایت از این داشت مرد سارق به همین شیوه اقدام به سرقت موبایل راننده‌ها کرده است. پس از این مأموران دست به تحقیقات تخصصی زدند که با بررسی دوربین‌های مداربسته محل حادثه دریافتند سارق موبایل‌ها مرد ۴۰ ساله‌ای به نام مهدی است که در پرونده‌اش ۱۱ فقره سابقه کیفری ثبت شده است. بنابراین با شناسایی سارق حرفه‌ای، مأموران ۱۴ بهمن‌ماه وی را در مخفیگاهش شناسایی و دستگیر کردند.

متهم پس از دستگیری به جرم خود اعتراف کرد و گفت: حدود پنج‌ماه است در محدودهای خیابان جمهوری، خیابان حافظ، ولیعصر، راه‌آهن و خیابان‌های مرکزی شهر پرسه می‌زدم و در فرصت مناسب خودرویی را به صورت دربست کرایه می‌کردم. هنگامی که به مقصد می‌رسیدم به بهانه اینکه تلفن همراه ندارم و یک تماس ضروری دارم گوشی تلفن همراه را از راننده می‌گرفتم و سرقت می‌کردم.

متهم در ادامه با اعتراف به ۳۵ فقره سرقت به این شیوه گفت: پس از سرقت، گوشی‌های مسروقه را در محدوده‌های خیابان مولوی و شوش به مالخری می‌فروختم و با پول آن مواد مخدر می‌خریدم.

سرهنگ کارآگاه علی عزیزخانی، رئیس پایگاه‌هشتم پلیس آگاهی پایتخت با اعلام اینکه مأموران پس از اعتراف سارق، دو مالخر را هم دستگیر کردند، گفت: پس از تکمیل پرونده بازپرس شعبه یکم دادسرای ناحیه ۱۱ تهران دستور انتشار چهره بدون پوشش متهم را صادر کرد تا شهروندانی که به این شیوه مورد سرقت قرار گرفته‌اند پس از شناسایی متهم برای شکایت به پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران بزرگ مراجعه کنند.

پرواز قلب از رفسنجان به تهران

رئیس سازمان اورژانس کشور از انتقال پانزدهمین قلب برای انجام عمل پیوند به یک بیمار از رفسنجان به تهران توسط اورژانس هوایی خبر داد.

پیرحسین کولیوند روز پنج‌شنبه به ایرنا گفت: در کمتر از یک هفته از نخستین انتقال قلب هوایی از رفسنجان به تهران، با تلاش بی‌وقفه همکاران واحد شناسایی و فراهم‌آوری دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دومین قلب اهدایی نیز جداسازی و با همکاری سازمان اورژانس کشور صبح روز پنج‌شنبه به صورت هوایی به بیمارستان امام‌خمینی(ره) تهران منتقل شد.

براساس این گزارش قهرمان اهداکننده، جوان ۲۰ساله‌ای بود که پس از مرگ مغزی و رضایت خانواده‌اش قلب، دوکلیه و کبد او به بیماران نیازمند اهدا شد.

قلب وی به جوان ۲۶ساله‌ای در بیمارستان امام خمینی(ره) پیوند زده‌شد و دوکلیه این فرد به کرمان و کبد وی برای اهدا به شیراز منتقل شد.

عامل شهادت مأمور پلیس عنبر آباد کرمان به هلاکت رسید

مأموران پلیس در درگیری عامل شهادت جانشین اطلاعات نیروی انتظامی عنبر آباد را به هلاکت رساندند.

شامگاه پنج‌شنبه ستوان یکم حمید ریاحی، جانشین اطلاعات نیروی انتظامی عنبرآباد هنگام گشت‌زنی در حوزه مختارآباد این شهرستان با اصابت گلوله افراد ناشناسی به شهادت رسید و همکاروی نیز در این حادثه زخمی و به بیمارستان منتقل شد. محمود رئیسی، فرماندار شهرستان عنبرآباد درباره این خبر به تسنیم گفت: پس از این حادثه مأموران پلیس تحقیقات خود را برای شناسایی عامل شهادت مأمور پلیس آغاز کردند و درنهایت در کمتر از چهارساعت قاتل شهید ریاحی را در حالی که در محور دوساری به کهنوج در حال فرار بود، شناسایی کردند و در درگیری به هلاکت رساندند.

■ شهادت سرباز وظیفه مرزبان

در حادثه دیگری شامگاه ۲۳ بهمن‌ماه امیررضا رمضانی چمن‌آبادی، حین حراست و پاسداری از مرزهای جنوب شرقی کشور در منطقه تپه‌طالب خان چابهار به شهادت رسید.

بلعیدن تریاک جان مرد جوان را گرفت

مرد جوانی که چند بسته تریاک را برای حمل بلعیده بود، پس از دستگیری از سوی مأموران پلیس پایتخت فوت کرد.

به گزارش جوان، ساعت ۴:۱۲ بامداد روز جمعه ۲۲بهمن‌ماه بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۰۶ نامجو از مرگ مشکوک مرد جوانی در یکی از بیمارستان‌های مرکزی تهران با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در بیمارستان با جسد مردی روبه‌رو شدند که به طرز مرموزی به کام مرگ رفته بود. نخستین بررسی‌ها نشان داد این مرد چند ساعت قبل از سوی مأموران کلانتری ۱۰۶ نامجو دستگیر و راهی بازداشتگاه شده که ناگهان ساعتی قبل حالش بد می‌شود و پس از انتقال به بیمارستان فوت می‌کند. یکی از مأموران کلانتری گفت: در حال گشت‌زنی در محدوده استحفاظی بودیم که با این مرد روبه‌رو شدیم. از آنجایی که رفتارش مشکوک به نظر می‌رسید او را بازداشت کردیم و برای تحقیق به کلانتری بردیم که ناگهان حالش بد شد و ما هم بلافاصله او را به بیمارستان رساندیم اما او فوت کرد.

در حالی که تحقیقات مأموران حکایت از این داشت این مرد خرده فروش مواد مخدر است، تیم پزشکی اعلام کرد مرد فوت شده به خاطر بلعیدن چند بسته تریاک به کام مرگ رفته است. یکی از پزشکان گفت: در بررسی‌ها و عکس‌هایی که از معده این مرد گرفتیم مشخص شد وی چند بسته تریاک را بلعیده است که پس از ساعتی تعدادی از بسته‌ها باز شده و تریاک حاوی آن باعث مرگ او شده است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم، مأموران تحقیقات درباره این حادثه را آغاز کردند.

قتل شوهر به دست خانواده همسر

مأموران پلیس راز قتل مرد جوانی را که در شهرستان مینودشت گلستان به‌دست اعضای خانواده همسرش به قتل رسیده‌بود، پس از سه‌ماه بر ملا کردند.

چندی قبل مأموران پلیس شهرستان مینودشت استان گلستان جسد سوخته شده مرد ناشناسی را در نزدیکی یکی از روستاهای شهرستان کشف کردند. بررسی‌های نشان داد مرد جوان ابتدا به قتل رسیده و سپس عاملان قتل، جسد او را آتش زده‌اند. در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، مأموران پلیس با شکایت زن و مردی روبه‌رو شدند که اعلام کرده‌بودند پسرشان از سه‌ماه قبل به طرز مرموزی ناپدید شده‌است. از آنجایی که جسد کشف شده شباهت‌های زیادی با مرد گمشده داشت شاکیان به پزشکی قانونی رفتند و آنجا جسد پسرشان را شناسایی کردند. مأموران در تحقیقات از خانواده پسر گمشده دریافتند وی با همسرش اختلاف داشته است. بنابراین همسر وی بازداشت شد و مورد بازجویی قرار گرفت. متهم در بازجویی‌ها به قتل شوهرش با همدستی مادر، برادر و دوست برادرش اعتراف کرد و گفت که پس از قتل جسد او را آتش زده‌اند. پس از این اعتراف مأموران، سه متهم دیگر را هم دستگیر کردند. حسینعلی ایزد، دادستان عمومی و انقلاب مینودشت با اعلام اینکه انگیزه قتل اختلافات خانوادگی بوده است به مهر گفت: رسیدگی به پرونده چهار متهم به قتل در حال انجام است.

۶ مسافر به مقصد نرسیدند

تصادف مرگبار سواری پراید و سمند در مینو دشت گلستان شش‌کشته برجای گذاشت.

سیدرحیم میرکریمی، معاون امدادونجات جمعیت هلال احمر گلستان به مهر گفت: این حادثه بامداد روز جمعه ۲۵بهمن‌ماه رخ داد که پس از اعلام آن تیم عملیاتی هلال احمر گلستان به محل حادثه در محور مینودشت به گنبد محدوده کارخانه فولاد اعزام شدند. در این حادثه شش نفر در دم جان باخته بودند و یک نفر هم به شدت زخمی شده بود که تیم عملیاتی پس از بیرون آوردن فرد زخمی، وی را برای انتقال به مراکز درمانی تحویل اورژانس دادند.

آگهی مفقودی

برگ سبز و کارت خودرو سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۹۰ به شماره پلاک ایران ۶۳ - ۱۶۳ و ۷۹ به شماره موتور 12490172802 **و شماره شاسی** NAAM01CA3BE209359 **متعلق به آقای مهرزاد قدمی ششده فرزند پنجعلی با کدملی ۲۵۷۲۱۵۵۸۶۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.** شیراز

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری پراید تیپ جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۴ به رنگ سفید شیری به شماره پلاک ایران ۶۸ - ۴۵۷ ن ۹۶ به شماره موتور 01292832 **و شماره شاسی** S1412284649085 **متعلق به آقای مصطفی پوررجبی سادات محله با کدملی ۲۷۰۹۴۰۲۴۹۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.** البرز

آگهی مفقودی

سند کمپانی خودرو سواری وانت مزدا مدل ۱۳۸۹ به شماره پلاک ایران ۱۴ - ۳۲۲ ص ۹۷ به شماره موتور FE137197 **و شماره شاسی** NAGDPX2PC18D35138 **متعلق به آقای حرب باوی با کدملی ۱۷۵۲۹۰۶۵۹۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.** شیراز

آگهی مفقودی

برگ سبز، کارت شناسایی و پلاک موتورسیکلت آزما حجم سیلندر CC 124 **مدل ۱۳۹۴ به رنگ مشکی به شماره پلاک ۱۲۹_۴۹۸۶ به شماره موتور** 124NBD515431 **و شماره تنه** NBD***1252940121 **متعلق به آقای علیرضا رضایی رازلیقی با کدملی ۰۰۵۶۲۵۵۲۷۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.** البرز

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری پراید تیپ 131SL **مدل ۱۳۹۰ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ایران ۶۸ - ۸۳۵ م ۲۹ و شماره موتور** 4008384 **و شماره شاسی** S1412290737610 **متعلق به آقای مصطفی عطاالهی با کدملی ۰۳۲۲۲۶۸۵۳۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.** البرز

آگهی مفقودی

برگ سبز و سند مالکیت خودرو سواری پژو ۲۰۶ تیپ TU3 206 **مدل ۱۳۹۶ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ایران ۵۹ - ۶۱۲ ج ۸۲ و شماره موتور** 165A0105159 **و شماره شاسی** NAAP0-EE9HJ072365 **و شماره بدنه** HJ072365 **متعلق به آقای علیرضا تولی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.** گلستان